



پایه در اندیشه بر ارزش های ارزش های کلیدی

محمد رضا حاتمی

چکیده

مقاله حاضر با توجه به جایگاه ویژه ارزش ها و به خصوص ارزش های الهی در تعلیم و تربیت، بر این فرض استوار است که با استفاده از اندوخته های غنی اسلامی، می توان ارزش های مهدوی را طبقه بندی و فهرست نمود و راه کارهای مناسب جهت رشد و توسعه آنها در زندگی فردی و اجتماعی تدارک دید. در همین زمینه، سه مطلب پی گیری خواهد شد: نخست بررسی کلیات مربوط به ارزش ها، هم، فهرست بندی ارزش های مهدوی و سرانجام توضیح اهمیت و راه کارهای آموزشی ارزش ها. نگارنده در این نوشتار، با روش کتابخانه ای درباره ارزش های مهدوی و جنبه های آموزشی آن ارزش ها با تأکید بر نقش خانواده کندوکاوی نموده است.

واژگان کلیدی

اصول ارزش ها، اهمیت ارزش ها، ویژگی های ارزش ها، نظام ارزشی مهدوی، امام مهدی عج، ارزش ها.



مقدمه

به گواهی تاریخ و تجربه، معتقدان به ارزش‌ها و پای‌بندان به سنن مذهبی و شعائر دینی، کمتر در معرض انحراف، فاسد و آلودگی‌های اخلاقی بوده و سلامت و آرامش روانی بیشتری داشته‌اند. از همین‌روی، بسیاری از کسانی که در جست‌وجوی آرامش خاطر و هدف‌مندی زندگی خویش هستند و برای فرزندان خود نیز چنین آرزویی دارند، گفتار و کردار خویش را بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها استوار می‌سازند تا در سایه پای‌بندی به یک نظام هم‌آهنگ ارزشی، به آرامش و گوهر دین‌داری و معنویت دست یابند.

از سوی دیگر، دانش‌مندان فلسفه علوم اجتماعی، قوام فرهنگ یک جامعه را به اثبات و دوام ارزش‌های آن می‌دانند و اعتقاد دارند که ارزش‌ها به جامعه هویت و قوانین ویژه می‌بخشند؛ زیرا ارزش‌ها با مشخص کردن خوبی‌ها و امور مطلوب برای افراد، چراغ هدایت رفتار فردی و گروهی را برمی‌افروزند. بدین ترتیب، هر چه ارزش‌های حاکم بر جامعه از استحکام و ثبات بیشتری برخوردار باشند، آن جامعه و افرادش هویت و ثبات بیشتری خواهند داشت. این در حالی است که چنین ثبات و دوامی را در ارزش‌های دینی و الهی می‌توان یافت.

بنابراین، رسالت‌نخبگان و اندیشه‌وران جامعه تبیین و تعریف ارزش‌های الهی است. آنان باید این ارزش‌ها را کارآمد سازند و به نسل‌های پس از خود انتقال دهند تا با انتقال ارزش‌ها، پیوند نسل‌ها و فرهنگ‌ها و هویت‌یابی ممکن شود و اقبال نسبت به عناصر فرهنگ بیگانه کم‌رنگ گردد و افراد و به ویژه نوجوانان و جوانان در برابر بسیاری از انحرافات اخلاقی و رفتاری واکنش‌ناپذیر شوند.

اما علی‌رغم اهمیت موضوع ارزش‌ها، تحقیقات و پژوهش‌های درباره آن در حوزه ارزش‌های دینی و به ویژه فرهنگ مهدویت بسیار کم و ناچیز است، در حالی که اندیشه‌ورزان و متخصصان رشته‌های گوناگون مانند فلسفه، دین، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، روان‌شناسی و علوم سیاسی به این موضوع نگاهی دیگر داشته‌اند.

نظام ارزشی ما، برگرفته از آیات الهی و سنت معصومان است و می‌توان آن را نظام ارزشی مهدوی‌ای نام گذاشت که انسان‌ها در پرتو آن به سعادت واقعی رهنمون می‌گردند.

ارزش‌ها در فرهنگ مهدویت، طراوت و بالندگی دارند و شیفتگان مهدی علیه السلام سعی می‌کنند که فکر و رفتار خویش را با آنها تطبیق دهند، حرمت آنها را حفظ نمایند و از این طریق به خشنودی و رضایت آن حضرت نائل شوند.

تعریف ارزش‌ها

ارزش‌ها همان اعتباراتی هستند که انسان‌ها به نوعی در مقام عمل به آنها ملتزم و پای‌بندند و به مفاد آنها و یا بر اساس آنها اقدام می‌کنند. ارزش‌ها مفاهیم خاصی به شمار می‌آیند که ذهن آنها را انتزاع می‌کند. این انتزاع ذهنی در جای خود به معنای خارج و واقع شکل می‌گیرد. ارزش‌ها تابع دستگاه‌ها و نظام‌های ارزشی هستند و همانند سردی و گرمی هوا نیستند که به پشتوانه یک تجربه و یا احساس عینی بتوان آنها را احساس و ادراک کرد. با این بیان، روشن می‌شود که ارزش‌ها به خودی خود امری اعتباری بیش نیستند، ولی منشأ اعتباری ثابت و حقیقی دارند. بنابراین، چنان‌چه نظر ما به خود ارزش‌ها و مفاهیم ارزشی به صورت یک نظر استقلالی و درونی باشد، ارزش‌ها اعتباراتی بیش نخواهند بود. اما چنان‌چه نگاه ما به مفاهیم ارزشی نگاه مرآت‌ی و بیرون‌نما باشد - به گونه‌ای که ارزش‌ها نمایاننده منشأ و مبانی حقیقی خود به حساب آیند - در این صورت ارزش‌ها به تبع مبانی و منشأ خود، امری حقیقی خواهند بود و در سایه ثبات و واقعیت منشأ و مبانی خود، ثبات و واقعیت خواهند یافت.^۱

کلمه ارزش از مصدر ارزیدن، در لغت به معنای قیمت، بها، ارز، ارج، زیندگی است که در عربی به آن «القيمة» و در انگلیسی «value» می‌گویند. بنابراین، در تعریف لغوی ارزش می‌توان گفت: هر چیزی که مفید، دوست‌داشتنی یا خواستنی است.

اما مفهوم ارزش از مفاهیمی به شمار می‌رود که حوزه‌های مختلفی مانند جامعه‌شناسی، اقتصاد، فلسفه و متون به آن توجه کرده‌اند و هر کدام مفهومی برای آن در نظر گرفته‌اند. آنچه را در قلمرو تعلیم و تربیت و یا زمینه‌های نظیر آن، به منزله ارزش و ارزش‌گذاری مطرح می‌کنیم، دارای بار مفهومی خاص از خواست و مطلوبیت است. مطلوبیت هر چیز، هر دستور و یا هر گزاره‌ای، ارزش آن را نشان می‌دهد. ارزش‌گذاری هر یک از امور مزبور، از مطلوبیتی نشأت می‌گیرد که برای آن از منظر اخلاقی، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و یا هر منظر دیگری قائل هستیم. بنابر آن چه گذشت، مفهوم ارزش‌ها را بدین صورت می‌توان تعریف کرد: ارزش‌ها، احکام و داوریهایی هستند که فرد در ترجیح دادن یا ندادن موضوع‌ها یا اشیا صادر می‌کند. این داوریهی در پرتو ارزیابی او از این موضوع‌ها یا اشیاست.

تعریف نظام ارزشی

اصولاً انسان‌ها همواره درباره چیزهایی خوب یا بد، مناسب یا نامناسب و ضروری یا غیرضروری ایده‌هایی داشته‌اند. به این‌گونه ایده‌ها، ارزش گفته می‌شود. هنگامی که این ارزش‌ها در نظامی از معیارها و ملاک‌ها، برای ارزیابی ارزش اخلاقی و شایستگی رفتار، سازمان‌دهی می‌شوند، نظام ارزشی را پدید می‌آورند.^۲

نظام ارزشی هر مکتب و جامعه‌ای بیان‌گر میزان و نوع ارزشی خواهد بود که بنیان‌گذاران آن نظام، از زوایای مختلف و در زمینه‌ها و ابعاد گوناگون برای هویت، شخصیت، اندیشه‌ها و آرمان‌های خویش قائل هستند. ثبات ارزش‌ها، نشان از استحکام ارکان و ریشه‌های یک نظام ارزشی دارد که به پایداری و تثبیت تشخص و هویت انسانی باورمندان به آن ارزش‌ها می‌انجامد. بدین ترتیب، هرچه ارزش‌ها از پایگاه و خواستگاه قوی‌تر و مطمئن‌تری برخوردار باشند، جلوه‌های انسانی با ثبات‌تر و پایداری‌تری را در نگرش و رفتار ارزش‌باوران انعکاس می‌دهند. نظام ارزشی، همواره دربرگیرنده بنیاد پابرجایی از باورهاست که الگوهای ویژه‌ای از رفتار یا اوضاع مشخصی از زندگانی را متابعت شدنی و دارای اهمیت می‌شمارد.

اهمیت ارزش‌ها

ارزش‌ها در زندگی فردی و اجتماعی نقش مهم و اساسی دارند. ارزش‌ها به منزله عناصر فرهنگی و اجتماعی، سهمی کلیدی را در هویت‌بخشی فردی و جمعی عهده‌دار هستند؛ به گونه‌ای که از میان تمام مباحث درباره تعلیم و تربیت، بحث از ارزش‌ها مسئله کاملاً جدی و تردیدناپذیر همه فلسفه‌ها و مکاتب تعلیم و تربیت به شمار می‌رود. در ادامه به برخی از نکات مهم اشاره می‌کنیم:

۱. ارزش‌ها عنصر مهم وحدت روانی اشخاص به شمار می‌آیند و باعث انسجام و یگانگی ادراک خود و جهان می‌شوند؛^۳
۲. ارزش‌ها، موقعیتی ممتاز را در بنای شخصیت فرد و نظام معرفتی وی اشغال می‌کنند؛^۴
۳. ارزش‌ها، همان مایه اصلی و پنهان گرایش‌ها هستند؛
۴. از خلال ارزش‌ها، هدف‌ها یا غایت‌ها و ابزار تحقق آنها مشخص می‌گردند؛
۵. ارزش‌ها در تحقق «من» و تحقق فرد نقش اساسی دارند؛
۶. ارزش‌ها در نوع روابط و دوستی‌ها نقش مهمی دارند؛
۷. ارزش‌ها نوعی وحدت‌انگیزه را به وجود می‌آورند؛
۸. ارزش‌ها در حل مشکلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه نقش اساسی دارند؛
۹. ارزش‌ها، معیارهایی هستند که به مقتضای آنها دوری می‌کنیم و بر اساس آنها، آن‌چه را مطلوب است و یا رجحان دارد، معین می‌سازیم؛^۵
۱۰. ارزش‌ها، روی نظام‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه تأثیر می‌گذارند و از آنها متأثر می‌شوند.

ویژگی ارزش‌ها

- ویژگی‌های ارزش‌ها را با توجه به پژوهش‌های انجام گرفته، می‌توان به صورت ذیل فهرست کرد:
۱. رشد ارزش‌ها از کودکی زودهنگام تا پایان عمر در گذر است و به دوره سنی خاصی منحصر نیست؛
 ۲. رشد ارزش‌ها در جهت‌گیری خود از عینی به ذهنی، از سادگی به ترکیبی، از خصوصی به عمومی و از ابزاری به غایی بودن در حرکت است؛^۶
 ۳. با رشد فرد، تعداد ارزش‌هایی که او در نظام ارزشی خود پذیرا می‌شود، فزونی می‌یابد؛
 ۴. رشد نظام ارزش‌ها، حاصل فرآیند تأثیر متقابل فرد با محدودیت‌های خاص او و الگوهای

رسالت نخبگان و اندیشه‌وران جامعه تبیین و تعریف ارزش‌های الهی است. آنان باید این ارزش‌ها را کارآمد سازند و به نسل‌های پس از خود انتقال دهند تا با انتقال ارزش‌ها، پیوند نسل‌ها و فرهنگ‌ها و هویت‌یابی ممکن شود و اقبال نسبت به عناصر فرهنگ بیگانه کم‌رنگ گردد

چارچوب فرهنگی است که در آن زندگی می‌کند؛
 ۵. رشد نظام ارزش‌ها حاصل چند متغیر رشد فکری، سطح فرهنگی، نقش جنس، نقش سیاسی و تربیت دینی است؛
 ۶. سطوح مختلفی برای فراگیر شدن ارزش وجود دارد که از سطح اول (سطح پذیرش) سطح دوم (سطح رجحان) و سطح سوم (سطح پای‌بندی و تعهد)، تشکیل می‌گردد؛
 ۷. ارزش‌ها تحمیلی نیستند که بتوان آنها را به زور به افراد القا کرد، اما در هر فرهنگ بسیاری از افراد درباره اهمیت آنها به توافق رسیده‌اند؛
 ۸. ارزش‌هایی مانند عزت، تعهد، دوستی، اعتماد و صداقت که در حوزه اجتماعی و فرهنگی جامعه وجود دارند، پایدارتر و در مقابل تغییر مقاوم‌ترند و به کار گرفتن آنها در روابط اجتماعی باعث تکثیر آنها در جامعه می‌شود؛
 ۹. ارزش‌ها میان مردم مشترکند و بسیاری از ارزش‌ها در جامعه از بین نرفته و نابود نمی‌شوند، بلکه تنها ممکن است اهمیت آنها در نزد مردم جابه‌جا شود؛

۱۰. ارزش‌ها با احساسات و عواطف همراهند، اشخاص برای صیانت از آنها مبارزه می‌کنند و برای حفظ ارزش‌های والا از بذل جان و مال دریغ نمی‌کنند؛
 ۱۱. ارزش‌های انسانی همه اصیل هستند، از سرشت انسان سرچشمه می‌گیرند و عامل اصلی حرکات تاریخ به شمار می‌روند؛
 ۱۲. ارزش‌های فرهنگ‌های مختلف بر روی هم تأثیر می‌گذارند و آنهایی که قدرت و نفوذشان برتر است، ارزش‌های فرهنگی خود را به فرهنگ دیگر انتقال می‌دهند؛
 ۱۳. مفاهیم ارزشی و یا ضد ارزشی، بیان‌گر رابطه واقعی و ضروری هستند که بین فعل اختیاری انسان از یک طرف و نتیجه مطلوب یا نامطلوب آن از سوی دیگر، به صورت واقعی و حقیقی برقرار گردیده است؛
 ۱۴. ارزش‌های برگرفته از وحی الهی کاملاً مورد پذیرش عقل و فطرت ناب انسانی قرار می‌گیرند و بر اثر این وفاق و سازگاری، اقبال و گرایش به این ارزش‌ها در میان جوامع بشری روزبه‌روز از نظر کمی و کیفی فزونی می‌یابد.^۹

ضرورت تعلیم و ترویج ارزش‌ها

۱. جامعه به فراگیری و بهره‌مندی از ارزش‌ها، نیاز فوری و مبرم دارد؛
 ۲. انتقال ارزش‌ها از زمانی به زمان دیگر و از نسلی به نسل دیگر، از کارکردهای تمدن بشری به شمار می‌رود؛
 ۳. هنگامی که مشاهده می‌کنیم ضد ارزش‌ها تبلیغ می‌شوند و

کودکان و نوجوانان در معرض فراگیری ضد ارزش‌ها هستند، نقش آموزش ارزش‌ها به مراتب حیاتی‌تر جلوه می‌کند؛
 ۴. هیچ امری یافت نمی‌شود مگر این‌که در معرض ارزش‌گذاری قرار می‌گیرد. بنابراین، هیچ‌گونه تعلیم و تربیتی را نمی‌توان فارغ از سوگیری ارزش‌مدارانه دانست؛
 ۵. بسیاری از سوالات بزرگی که افراد و جوامع انسانی با آن روبه‌رو هستند، جهت‌گیری ارزشی دارند؛
 ۶. امروزه از تعلیم و تربیت ارزش‌ها، به طور فزاینده و در سطح گسترده حمایت می‌شود؛ چرا که ارزش‌ها برای تبدیل رفتارهای خودخواهانه، حریصانه یا پرخاش‌گرانه به تعاون اجتماعی، قدرت خارق‌العاده‌ای دارند؛
 ۷. آموزش ارزش‌ها و تربیت بر مبنای آنها، امری شدنی و تحقق‌یافتنی است؛
 ۸. تبیین و گسترش ارزش‌های اسلامی، مانع بزرگی در برابر مادی‌گرایی و مطامع سرمایه‌داری جهانی است.

نظام ارزشی مهدوی

نظام ارزشی مهدوی، نظامی الهی به شمار می‌آید که از آیات و سنت معصومان (آنچه قبلاً انجام پذیرفته و آنچه نویدش را داده‌اند) گرفته شده و تمامی ارزش‌ها و کمالات مادی و معنوی را به منظور رشد و تکامل انسان و طبیعت در خود جای داده است. این نظام می‌تواند ساخته و پرداخته اجتهادی ارزش‌مند در تمامی جنبه‌های فکری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشد و با طرحی دینی و عقلایی همه تلاش‌ها و نقشه‌های کوچک و پراکنده را در خود جای دهد؛ طرح جامعی که هم هدف دارد و هم برنامه‌ای خوب برای وصول به هدف.

آموزه‌های مهدوی به نوعی تکرار یا تداوم آموزه‌های نبوی است که در مجموع، نظام ارزش مهدوی را شکل می‌دهند. این نظام، مصداقی در گذشته و آینده دارد. برای اطلاع از نظام ارزشی مورد انتظار می‌توان نگاهی به نظام ارزشی در گذشته انداخت. خاتم‌الانبیاء و خاتم‌الوصیاء دو بانی و معمار هم‌نام و هم‌کنیه، با یک قرآن و برنامه‌اند. بدین ترتیب برای شناخت نظام ارزشی مهدوی، انبوهی از اطلاعات تاریخ و سیره نبوی و وحیانی در اختیار منتظران است که از خلال آنها، چشم‌انداز نظام ارزشی مهدوی روشن می‌شود. با کدو کاو در منابع اسلامی، اعم از قرآن و روایات، به وجود طرحی از مدل آسمانی و قدسی یک جامعه آرمانی کامل و مطلوب انسان پی می‌بریم که همان مرام‌نامه قرآن و تعلیمات عالی تشیع است.

آموزه‌های مطرح شده در نظام ارزشی مهدوی، ارزش‌هایی جهانی و انسانی است؛ ارزش‌هایی نامحدود به حد و مرزی خاص. ارزش‌های این نظام فرازمانی و فرامکانی است. از آن‌جا که مجموعه‌ای از ارزش‌های نظام‌یافته‌تر و نهادینه شده‌تر به شمار می‌آید، ضریب اطمینان افراد در گرایش به آنها بیشتر و بالاتر است و در مجموع با فعل و انفعالات روان‌شناختی و

تربیتی انسان تناسب بیشتر دارد. نظام ارزشی مهدوی، در جهت طرد و نفی وضعیت حاضر حاکم بر جهان، از آینده‌ای سخن به میان می‌آورد که کاملاً متفاوت با حال است. آنچه در این نظام مطرح می‌شود، کم و بیش روشن و مشخص است و از همان اصول اساسی بزرگ و انسانی مانند آزادی، برابری حقیقی و جامعه مبتنی بر عدل و برابری الهام می‌گیرد. این نظام با تأکید بر کرامت و قدرت تعقل انسان، به آزادی و آگاهی انسان نیز اهمیت شایان می‌دهد.

در این نظام، رشد و رستگاری تمامی ابعاد آدمی در گستره زندگی دنیوی و اخروی، و فردی و اجتماعی، برای دستیابی به فلاح، عدالت، امنیت و آزادی مورد نظر است. بنابراین، ادعای جهانی شدن یا جهانی کردن ارزش‌هایش را دارد.

ارزش‌های مهدوی

در این نوشتار، فرض ادله ما این است که می‌توان ارزش‌های جامع را در سطوح مختلف بیان کرد و ترتیب چیدن ارزش‌ها را به صورت «سلسله مراتبی» و «طبقه‌بندی» در نظر داشت؛ سلسله مراتب ارزش‌ها، یعنی ترتیب هرم‌گونه نظام ارزش‌ها که در آن جایگاه هر ارزش، در یک نظام طولی صعودی یا نزولی در برابر ارزشی پیش یا پس از خود معین می‌گردد و «طبقه‌بندی» یعنی فرآیندی که در آن ارزش‌ها به صورت افقی و عرضی در حوزه‌های هم‌تراز تقسیم و توزیع می‌شوند؛ مانند تقسیم ارزش‌ها به ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی، دینی، اقتصادی و فرهنگی.

اما فهرستی از ارزش‌ها را که در این جا مطرح می‌کنیم، اولاً جامع نیستند و بنابراین، می‌توان ارزش‌هایی را به آن افزود؛ دوم این‌که، ترتیب چیدن ارزش‌ها به صورت سلسله‌مراتبی نیست؛ سوم این‌که، تقسیم ارزش‌ها در چهار گروه، تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی‌ای ابتدایی است که بررسی بیشتری را می‌طلبد. بدین ترتیب، برخی از ارزش‌های نظام ارزشی مهدوی را به این صورت می‌توان طبقه‌بندی کرد:

الف) ارزش‌های دینی: آن دسته از ارزش‌های مقدس که معنویت را وارد حیات بشری می‌سازند. این ارزش‌ها در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری قرار دارند و مهم‌ترینشان عبارتند از: ایمان به خدا و معصومان، خداپرستی، محبت به اولیای الهی، دشمنی با دشمنان خدا، احساس تکلیف، عبادت و بندگی، ارشاد دیگران، تهذیب نفس، حجاب و حیا، جهاد، شهادت، تقوا، زهد و پارسایی و انتظار.

ب) ارزش‌های اخلاقی: ارزش‌هایی که صورت دستوری دارند و رفتار و اندیشه را در جهت‌ی خاص سوق می‌دهند، مانند: راست‌گویی، امانت‌داری، انفاق، خودسازی، انتقادپذیری، تواضع، صبر، ساده‌زیستی، تصفیه اخلاقی، علم و آگاهی.

ج) ارزش‌های اجتماعی: ارزش‌هایی که اعضای یک جامعه آن را گرمی می‌دارند و در آنها وفای نسبی وجود دارد همچون: عدالت خواهی، هم‌دلی، احقاق حقوق دیگران، نوع دوستی، رعایت حقوق افراد، خدمت به مردم، نظم اجتماعی، وحدت اجتماعی، احترام و تکریم دیگران، توسعه اقتصادی.

د) ارزش‌های فرهنگی: ارزش‌هایی که موجبات تعالی حیات انسان را فراهم می‌سازند و صورتی فرامادی به حیات می‌بخشند، مانند: شهادت و دلاوری، مسئولیت‌پذیری، آزادی‌خواهی، از خودگذشتگی، ظلم‌ستیزی، صرفه‌جویی، فعالیت سیاسی، خودانکایی اقتصادی، نفی استبداد، استقلال، دانش‌اندوزی، مبارزه در راه حق، سازش‌ناپذیری، بیان حقیقت، استقامت در راه.

روی‌کردهای نظری آموزش ارزش‌ها

امروزه در فلسفه تعلیم و تربیت غرب، سخن از شش روی‌کرد نظری و کاربردی در خصوص ارزش‌ها و تعیین چند و چون آموزش فراگیری آنها در میان است که عبارتند از:

۱. دیدگاهی که به تعیین و تثبیت ارزش‌ها از جانب اکابر فرهنگی - اجتماعی و یا توسط نهادهای آموزشی، تربیتی، مذهبی و احیاناً سیاسی که به نوعی در نظر فراگیران از اعتبار و

- ارزش‌ها، روی
نظام‌های اقتصادی،
سیاسی، اجتماعی و
فرهنگی هر جامعه
تأثیر می‌گذارند و از
آنها متأثر می‌شوند.
- ارزش‌های برگرفته
از وحی الهی کاملاً
مورد پذیرش عقل و
فطرت ناب انسانی
قرار می‌گیرند و بر اثر
این وفاق و سازگاری،
اقبال و گرایش به
این ارزش‌ها در
میان جوامع بشری
روزبه‌روز از نظر کمی
و کیفی فزونی می‌یابد

سندیت لازم برخوردارند، اصرار می‌ورزد که از آن به روی کرد سیرت‌آموزی تعبیر می‌شود؛

۲. دیدگاهی که بنا بر آن، والدین و مربیان تنها به فراهم‌سازی زمینه حضور فراگیر در بحث از ارزش‌ها اقدام می‌کنند، اما در نهایت، شخص فراگیر باید تصمیم خود را بگیرد و به اظهار نظر بپردازد و آنچه را خود در فضای فراهم آمده ارزش می‌شناسد، برگزیند و بدین ترتیب، فراگیر خود آفریننده ارزش‌ها خواهد بود، نه پذیرنده ارزش‌های مورد قبول و توجه دیگران؛

۳. دیدگاهی که با الهام از مدل اخلاقی صاحب‌نظرانی چون کلبرگ، برای تعیین و فراگیری ارزش‌ها، یک الگوی رشدی - ساختاری متناسب با رشد انسان در ساحت‌های گوناگون رشدی قائل است؛

۴. دیدگاهی که کاربرد ابزار و عواملی چون روایت داستان‌ها، بیان خاطره‌ها، نقل اسطوره‌ها و معرفی چهره‌ها و شخصیت‌ها در آموزش ارزش‌ها اهمیت می‌دهد؛

۵. دیدگاهی که با نگاه به جایگاه و دیدگاه فلسفه تربیتی لیبرال - دموکراسی، از ارزش‌های لیبرالیستی و دموکراتیک دفاع می‌کند؛

۶. روی کردی که بنا بر اقتضای نگرش پست‌مدرن خود و از دریچه نگاه پست‌مدرنیسم، به نقد و بررسی ارزش‌ها و آموزش آنها می‌پردازد.^{۱۱}

روی کرد سیرت‌آموزی از میان این روی کردها، توجه مراکز آموزشی و تربیتی را بیشتر جلب کرده و برخی صاحب‌نظران بر این باورند که این روی کرد، با آنچه در نظام آموزشی و تربیتی در اسلام مورد توجه قرار گرفته است، در جنبه‌های ساختاری و قالبی مشابهت‌هایی دارد.

روی کرد سیرت‌آموزی، بیان‌گر نگرش تربیتی ویژه‌ای است که بر اهمیت حضور و نقش اولیا و مربیان و نهادهای آموزشی - تربیتی در آموزش ارزش‌ها به فراگیران و حک و تثبیت ارزش‌ها در ذهن و روان آنان تأکید می‌ورزد؛ چنین است که گویا مربی از طریق آموزش و تربیت، اثر و نشان ویژه‌ای را بر روان فراگیر و مرتبی حک می‌کند و آن اثر را در وجودش به ثبت می‌رساند. در تعریف این روی کرد، نقش مدرسه و مؤسسات آموزشی و همچنین جریان یادگیری و فراگیری در تربیت مرتبی، بر اساس خلق‌و‌خو و منش خاص، بسیار اهمیت دارد و آموزش ارزش‌ها و تربیت دانش‌آموزان بر اساس ارزش‌ها، از وظایف و مسئولیت‌های اصلی و تردیدناپذیر مدارس و آموزش‌گاه‌ها به شمار می‌رود.

اهمیت و مسئولیت آموزش ارزش‌ها

هنگامی که از جامعه دینی و سازوکار الهی کردن اجتماع و فرد سخن به میان می‌آید، به اوج ضرورت آموزش ارزش‌ها پی می‌بریم؛ زیرا اگر رفتارهای فردی و جمعی بر اساس ارزش‌های اصیل الهی و انسانی تنظیم شوند، نور

هدایت سراسر جامعه را فرامی‌گیرد. شاید مبالغه نکرده باشیم که بگوییم وجود بسیاری از آشفتگی‌ها در جوامع معاصر، به پای بند نبودن آنها به یک نظام هم‌آهنگ ارزشی است. بدین ترتیب، اهمیت و ضرورت گسترش ارزش‌ها در جامعه بر همگان روشن است و هیچ مکتب و گروهی نیست که اهمیت آن را انکار کند.

حال می‌خواهیم مجموعه ارزش‌های مربوط به شخصیتی عظیم و بزرگ را گسترش دهیم؛ مجموعه ارزش‌هایی که نظام ارزشی مهدوی را شکل می‌دهند. البته سخن در این نیست که این ارزش‌ها در جامعه ما شناخته شده نیستند، بلکه به این معناست که این ارزش‌ها را عمق و گسترش بیشتری بدهیم؛ زیرا جاذبه و محبوبیت امام زمان علیه السلام همگان را - اعم از پیر و جوان به سوی خود می‌کشاند. باید با استفاده از این فرصت‌ها بتوانیم ارزش‌های مهدوی را در افراد و جامعه نهادینه کنیم. البته توجه داریم که این ارزش‌ها، اموری حقیقی و ثابت هستند که قابلیت آموزش، آموختن و فراگیری دارند و مربیان در روند تربیت متربیان و فراگیران خود، باید به آموزش و تثبیت ارزش‌ها در وجود آنان بپردازند.

ناگفته نماند که در بسیاری از موارد، آموزش ارزش‌ها در قالب تربیت دینی مطرح می‌گردد. مباحثی که در تربیت دینی به آن پرداخته می‌شود، کلیدهای آموزش ارزش‌های اخلاقی و دینی به فرزندان هستند. بنابراین، بی‌گمان تربیت باید بتواند ارزش‌ها را به نسل منتقل سازد و اصولاً مقصد تربیت از طریق ارزش‌هایی که در تربیت است، درک می‌شود و زمانی فرد تربیت می‌شود که ارزش‌های فرهنگ پذیرفته فرهیختگان جامعه را بیاموزد و آنها را عملی سازد. با وجود این، مسئولیت آموزش ارزش‌ها که متأسفانه در نظام‌های تربیتی مسئله‌ای فراموش شده به شمار می‌آید، به عهده تمامی نیروهای تربیتی جامعه، یعنی خانواده، مدرسه و نهادهای گوناگون اجتماعی مانند نهادهای سیاسی، اداری و تبلیغی است.

دو منبع مهمی که کودکان و نوجوانان بیشتر ارزش‌های خویش را از آنها می‌گیرند، خانواده و مدرسه است. این دو نهاد مکمل یکدیگرند و هم تأثیر متقابل دارند و هر یک نقش خاصی در تربیت افراد ایفا می‌کنند؛ روابط در خانواده، فردی‌تر و عاطفی‌تر، ولی در مدرسه، جمعی‌تر و منطقی‌تر است و صد البته که برای دستیابی به تربیت مطلوب، به خصوص در انتقال ارزش‌ها، همکاری این دو نهاد ضروری است.

نقش خانواده در انتقال ارزش‌ها

خانواده از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی برای انتقال ارزش‌ها به فرزندان به شمار می‌رود. خانواده در سایه معیارهای فرهنگی موجود، برای فرزندان مشخص می‌کند که چه چیزهایی مطلوب و شایسته و چه چیزهایی نامطلوب است. کودک از همان ابتدای تولد، با افراد پیرامون خود وارد کنش و واکنش می‌گردد و اعضای خانواده، اولین جامعه برای او محسوب می‌شوند. پس کودک یاد می‌گیرد که چگونه با آنها توافق کند. کودک با مشاهده اطرافیان خود و جمع‌آوری تجربیاتی که از آنان به دست می‌آورد، طرز تفکر و اعتقاداتی

را کسب می‌کند که پایه سبک زندگی او را شکل می‌دهند.

در اسلام نیز نهاد خانواده، قداست و اهمیت بسیار بالایی دارد؛ چرا که محیط خانواده، نخستین و مهم‌ترین مهد پرورش کودک است و ساختار شخصیتی او در این کانون پی نهاده می‌شود. کودک چنان بار می‌آید که فرهنگ تربیتی خانواده‌اش اقتضا می‌کند و انتقال ارزش‌های والدین به کودکان به شیوه پدر و مادری آنان بستگی دارد. به درستی که فرزند نماینده تمدن و نظام ارزشی حاکم بر خویش است.

اصول لازم برای ایجاد و رشد ارزش‌ها در خانواده:

الف) عشق و علاقه

عشق و علاقه‌ای که پدر و مادر به فرزند خود احساس می‌کنند، شامل حرکات، طنین صدا و نگاه‌های آنها و دقت و توجهی است که به فرزند ابراز می‌دارند. عشق و علاقه به کودک قبل از هر چیزی، پدید آوردن فضایی گرم در اطراف اوست که این رابطه در کودک ایجاد ایمنی می‌کند. دوست داشتن کودک، یعنی او را همان گونه که هست با معایب و محاسنش پذیرفتن، فراهم کردن جایگاه ویژه کودک درون گروه خانواده و یاری رساندن به او برای شکوفایی در این چارچوب. پدر و مادری که به درستی فرزندشان را دوست دارند، نمونه‌های گفتاری زیر را دارند:

«من همواره به آنچه پسر یا دخترم می‌گوید، گوش فرامی‌دهم.»
«دختر یا پسر من بیشتر کارهایی را که انجام می‌دهد، برای من باز گو می‌کند.»
«من سخت می‌کوشم تا دختر یا پسرم را درک کنم.»

ب) مهر و محبت

مهر و محبت عاملی ضروری برای ایجاد موازنه مطلوب در روابط اولیا و فرزندان است. ملایمت و نرمی در نگاه، لحن صدا و حرکات و نیز بیان کلمات محبت‌آمیز حکایت از مهر و محبت دارند. ارتباط خوب والدین با فرزند، به آن میزان نقش دارد که والدین می‌توانند ارزش‌های خود را به فرزندان منتقل سازند. نتایج پژوهش‌ها روشن ساخته که پذیرفته نمودن ارزش‌ها و معیارهای پدر و مادر در نزد کودک، به میزان بهره‌مندی کودک در ارتباط با آنهاست. بنابراین، پدر و مادری که بسیار اهل توجه و محبت هستند، فرزندانشان با جدیت و سریع‌تر معیارهای رفتاری آنها را می‌پذیرند.

ج) الگو قرار گرفتن والدین

کودک از دوران خردسالی، یادگیری را از راه تقلید انجام می‌دهد. از لب‌خند دیگری خندیدن را یاد می‌گیرد؛ وقتی سخنان کسی را می‌شنود، سخن گفتن را می‌آموزد؛ چشمانش مانند دوربین‌های حساس، از حرکات و رفتار والدین و دیگران فیلم‌برداری می‌کند؛ از مهربانی، امیدواری و خوش‌بینی و از عصبانیت‌ها و بددهنی‌ها، بدی‌ها را می‌آموزد. از همان آغاز، پدر و مادر به منزله الگوی خوب یا بد، خواه ناخواه بر کودک تأثیر می‌گذارند. آن چه برای کودک اهمیت دارد، آن مشاهده شدنی‌هاست، نه آن چه به او گفته می‌شود. وقتی کودک به پدر و مادرش گوش می‌سپارد و آنها هم او را راهنمایی می‌کنند، او تنها آن چه از وی می‌خواهند، فرامی‌گیرد؛ ولی از راه مشاهده رفتارشان، فرامی‌گیرد که چگونه آن رفتار را بروز دهد. بنابراین، صرف سخن گفتن تأثیر بسیاری در رفتار کودک ندارد. وقتی بزرگ‌ترها چیزی را می‌گویند و عمل دیگری دارند، کودکان آن چه را او می‌گویند، تکرار می‌کنند و آن چه را عمل می‌کنند، انجام می‌دهند. بنابراین، تطابق بین عمل و گفتار بسیار مهم است.

د) توجه به سطح رشد و تمایلات و علایق

برنامه‌های آموزشی در مرحله کودکی باید بر رشد ارزش‌ها از طریق ابزار و الگوهای عینی محسوس

روی‌کرد سیرت‌آموزی از میان این روی‌کردها، توجه مراکز آموزشی و تربیتی را بیشتر جلب کرده و برخی صاحب‌نظران بر این باورند که این روی‌کرد، با آنچه در نظام آموزشی و تربیتی در اسلام مورد توجه قرار گرفته است، در جنبه‌های ساختاری و قالبی مشابهت‌هایی دارد.

می‌کند، در مسیر رشد و تکامل خود گام‌های بلندی برمی‌دارد و خواستار دریافت ارزش‌ها می‌گردد و سرانجام با استفاده از حس عاطفی می‌توان نگرشی مثبت به ارزش‌ها را ایجاد کرد و شخص را برانگیخت تا به خوبی‌ها تمایل نشان دهد.

ب) ایجاد آمادگی روحی و قلبی

بهترین بستر برای ارزش‌ها، زمینه تمایل و علاقه است. واداشتن شخص به مسائلی که به آنها تمایل ندارد، مانعی جدی در آموزش به حساب می‌آید؛ به این ترتیب که شخص در برابر ساده‌ترین امور، مقاومت نشان می‌دهد و به بهترین ارزش‌ها نیز تن نمی‌سپارد و مطمئناً پذیرش ارزش‌های والدین و دیگران از سر دوستی و عشق خواهد بود و ارزشی از روی اجبار و اکراه نهادینه نخواهد شد. هنگامی که جاذبه در درون انسان به وجود آمد، خود به دنبال پیام‌ها و ارزش‌ها می‌رود.^{۱۳}

ج) بیان منافع عینی و محسوس ارزش‌ها

ارزش‌ها، افزون بر نفع معنوی، نفع مادی هم دارند و سبب گرایش شخص به ارزش‌ها می‌گردد؛ زیرا منافع مادی، آسان‌تر و ملموس‌تر هستند و شخص نفع ارزش‌ها را می‌بیند و حس می‌کند.^{۱۴}

شیوه‌های آموزش ارزش‌ها

ارزش‌ها را به روش‌های متفاوتی می‌توان آموزش داد. در این بخش به دو نوع عمده آموزش ارزش‌ها می‌پردازیم:

الف) آموزش غیرمستقیم

این نوع آموزش با دیدن، شنیدن و تفسیر فرد از دیده‌ها و شنیده‌هاست. او به صورت غیرمستقیم یک ارزش را می‌آموزد. مربی در چنین آموزشی، بدون آن که مستقیماً فرد را مورد خطاب قرار دهد و به طور مستقیم به بحث از یک موضوع بپردازد، این آموزش را اجرا می‌کند.

متناسب با موضوع‌های آموزشی، می‌توان شیوه‌های گوناگونی را برای آموزش غیرمستقیم به کار گرفت. استفاده از هنر و شیوه داستان‌گویی و کتاب‌هایی که ارزش‌ها را در قالب داستان و حتی ضرب‌المثل ارائه می‌کنند و همچنین بیان کلماتی آموزنده از شرح حال بزرگان، دانش‌مندان، قهرمانان از جمله روش‌های آموزش غیرمستقیم به شمار می‌روند. مهم‌ترین شیوه غیرمستقیم آموزش ارزش‌ها، روش الگویی است.^{۱۵}

روش الگویی بر این نکته تأکید دارد که کودکان و نوجوانان، بسیاری از ارزش‌ها را از راه تقلید آگاهانه یا ناخودآگاه از بزرگسالان جامعه، خانواده یا مدرسه می‌آموزند. در این روش، مربی ارزش‌ها را با اعمال و رفتار و شخصیت خود به طور غیرمستقیم به فراگیران آموزش می‌دهد. از همین روی، شخصیت مربی باید به گونه‌ای باشد که مربی، نتیجه و تأثیر مثبت باور و عمل به ارزش را به طور عینی و ملموس ببیند و از این طریق به یادگیری ارزش‌ها، راغب و علاقه‌مند گردد.

که به کودکان ارائه می‌شود و با سطح درکشان هم‌آهنگ است، متمرکز گردد. اما در مرحله جوانی، از آنجایی که دایرة‌المعارف فرد گسترش می‌یابد، می‌توان رشد این ارزش‌ها را با ابزاری تجربیدی و کلی انجام داد. همچنین کودکان زیر ده سال، به دلیل خستگی‌های ناشی از نشستن و یا ایستادن‌های طولانی، از گوش‌دادن به سخن‌رانی و دعا و مراسم عبادی طولانی، اظهار ملال و ناراحتی می‌کنند. بنابراین، از مجبور کردن آنان برای شرکت در این مراسم طولانی بایستی دوری کرد و در مراسمی که مختص آنان برگزار می‌شود، باید اختصار در برنامه را مراعات کرد.

ه) تشویق و ترغیب ارزش‌ها

هر کودکی مثل گیاه که به آب نیازمند است، به تشویق و دل‌گرمی نیاز دارد؛ زیرا بدون آن، رشد وی را کند و نیروهای بالقوه او سرکوب می‌شوند. عامل تشویق و ترغیب به قدری حیاتی است که وقتی اهمیت آن درک و به کار گرفته شود، فرآیندهای آموزشی و تربیتی دچار تحول اساسی می‌گردند. از همین روی، بایستی به ارزش‌هایی که حقیقی و هدفدار هستند، توجه مثبت داشت تا جایگاه آنها در پلکان ارزشی، صعود کند و از سوی دیگر، باید به ارزش‌هایی که حقیقی نیستند، توجه منفی داشت تا در پلکان ارزشی، مرتبه‌ای پایین را اشغال کنند.

و) هم‌سویی خانه و مدرسه

اگر جو غالب نظام آموزشی و شیوه‌های تربیتی، در دو محیط مهم تربیتی، یعنی خانه و مدرسه، هم‌سو و هم‌آهنگ نباشند، این فرزند خانه و شاگرد مدرسه در مرحله‌ای از رشد و شکوفایی شخصیت خود دچار دوگانگی احساس و تردید می‌شود که پرداختن به آن و تحمل هردو یا انتخاب یکی از دو الگو برایش دشوار می‌گردد؛ زیرا وقت انتخاب نیست، بلکه زمان آموزش و تربیت‌پذیری است و اگر انتخابی باشد، انتخاب به والدین کودک تعلق دارد و به دلیل یکسان بودن نظام ارزشی مدارس، خانواده‌ها باید با التزام به ارزش‌ها و موازین اسلامی، برای سلامت جسم و بهداشت روان ثمره‌های وجودشان بکوشند.^{۱۶}

زمینه‌سازی برای انتقال ارزش‌ها

پذیرش و نهادینه‌سازی ارزش‌ها، نیازمند بستری مناسب است؛ زیرا بدون توجه به این مسئله، نمی‌توان به نتیجه مناسب دست یافت، اما برای ایجاد بستری مستعد، بایستی به نکات زیر توجه داشت:

الف) پرورش احساس‌های متعالی چون حس خداپرستی، اخلاقی و عاطفی

طبیعی است که وقتی بتوانیم روحیه تعبد را پرورش دهیم، با بهره‌گیری از این روحیه بلند می‌توان شخص را به سوی جذب ارزش‌های متعالی واداشت و روحیه اطاعت و انقیاد از خداوند بلندمرتبه و اولیای الهی را در او پرورش داد. از سوی دیگر، انسانی که به فضایل و نیکی‌ها گرایش پیدا

ب) آموزش مستقیم ارزش‌ها

این نوع آموزش نیز به صورت‌های مختلف انجام می‌گیرد. برای مثال، ممکن است به مربی و دانش‌آموزان فرصتی برای تأمل در مسائل مختلف و تمرین داوری ارزشی در مورد آنها داده شود. هدف این بحث و تبادل نظر، آن است که دانش‌آموزان با گفت‌ووشنودی صریح و آزادانه با مربیان خود، برخی از ارزش‌ها را بشناسند که جهت‌دهنده رفتارهای انسان‌هاست.

این نوعی از آموزش ارزش‌ها به صورتی مستقیم و با شیوه‌ای عقلانی است که در نظر دارد دانش‌آموزان را به تحلیل و تفسیر پدیده‌ها و صدور حکم‌های ارزشی تمرین دهد و آنها را در به کارگیری مقتضیات ارزش‌ها در رفتارهای روزانه‌شان تشویق کند.^{۱۶}

نتیجه‌گیری

۱. اهمیت ارزش‌ها در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا ارزش‌ها اصلی تربیت را تشکیل می‌دهند؛
۲. آموزش ارزش‌ها، وظیفه‌ای گم شده است که حتماً بایستی برای فراگیرشدن ارزش‌ها فعالیت‌هایی را هدف‌مند و برنامه‌ریزی شده پی گرفت؛
۳. آموزش ارزش‌ها نیازمند آن است تا راه‌ها و ابزارهای لازم آن در مقاطع مختلف تحصیل فراهم شود؛
۴. آموزش ارزش‌ها در مقایسه با آموزش مواد درسی، به اشتباه امری فرعی به شمار می‌رود و واگذاری آموزش ارزش‌ها به یک نهاد، به تنهایی نتیجه مطلوبی را به بار نمی‌آورد.
۵. ارزش‌های ناب اسلامی و انسانی را از آیات و روایات می‌توان استخراج نمود و نظام ارزشی مهدوی‌ای را تدوین کرد که بر اصول اساسی و انسانی مانند عدل و آزادی مبتنی است.
۶. مسئولیت آموزش و گسترش ارزش‌ها، از وظایف تمامی نیروهای تربیتی جامعه به شمار می‌آید و ضروری است که اهداف و فعالیت‌های این نیروها، با یک‌دیگر هم‌آهنگ باشد.
۷. ارزش‌ها مفاهیم انتزاعی نیستند و با احساس‌های شخصی پیوندی ناگسستگی دارند. ریشه‌های آنها، شناختی و عاطفی است و اجزای تشکیل‌دهنده رفتار شخصی نیز هستند. بنابراین، هنگامی که بعد شناختی آنها عمیق و ریشه‌دار باشد، به همان نسبت بعد عاطفی هم استحکام دارد و به تبع آن، آمادگی روانی برای رفتار مناسب نیز بیشتر است.
۸. ارزش‌های مهدوی، ارزش‌هایی اصیل هستند که تحویل و تحول ناپذیرند و هیچ‌گاه در معرض تفسیرپذیری یا فسادپذیری قرار نمی‌گیرند.
۹. ارزش‌ها در نظام ارزشی مهدوی، ثابت و مطلق هستند. از همین روی، این نظام از غنا و استحکام برخوردار است که می‌تواند در رویارویی با ضد ارزش‌ها، عکس‌العمل مفید و مثبت نشان دهد.

۱۰. برای تحقق نظام ارزشی مهدوی بایستی، در سه مرحله زمینه‌سازی کرد: اولاً فضا سازی شود، یعنی که ارزش‌های مهدوی را در قالب‌های متنوع و جذاب نشر داد تا در این زمینه، اطلاعات و آگاهی‌های لازم گسترش یابند؛ دوم این که، به فرهنگ‌سازی پرداخت، یعنی ارزش‌ها را تقویت کرد و محترم شمرد و این ارزش‌ها مورد قدرشناسی در لفظ و گفتار تمامی قشرها، نهادها و مراکز فرهنگی و آموزشی قرار گیرند؛ سوم، ساختار سازی است، یعنی برای سازوکارهای مناسب و عملی کردن ارزش‌ها، هر کدام از مجریان نهادهای فرهنگی و آموزشی، علاوه بر این که پای‌بند به ارزش‌ها شوند، راه‌کارهای عملی ساختن و آموزش و انتقال ارزش‌ها را در حیطه کاری خویش تدوین کنند.

بایستی به ارزش‌هایی که حقیقی و هدف‌دار هستند، توجه مثبت داشت تا جایگاه آنها در پلکان ارزشی، صعود کند و از سوی دیگر، باید به ارزش‌هایی که حقیقی نیستند، توجه منفی داشت تا در پلکان ارزشی، مرتبه‌ای پایین را اشغال کنند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نک: سیداحمد رهنمایی، درآمدی بر مبانی ارزش‌ها، ص ۷۰، چاپ اول: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم ۱۳۸۳ شمسی.
۲. نک: جان اچ. ترنر، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه فولادی و بختیاری، ص ۸۰، چاپ اول: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم ۱۳۷۸ شمسی.
۳. نک: عبدالرضا حاجیلری، کنکاش در تغییر ارزش‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ص ۴۷، چاپ اول: دفتر نشر معارف، تهران ۱۳۸۰ شمسی.
۴. نک: عبداللطیف محمد خلیفه، بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها، ترجمه سیدحسین سیدی، ص ۶۶، چاپ اول: انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۸ شمسی.
۵. همان، ص ۶۶.
۶. همان، ص ۸۰.
۷. نک: مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۱۳، انتشارات صدرا، تهران ۱۳۷۴ شمسی.
۸. نک: محمدتقی مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم ۱۳۷۷ شمسی.
۹. نک: درآمدی بر مبانی ارزش‌ها، ص ۷۶.
۱۰. همان، ص ۱۹۷.
۱۱. نک: درآمدی بر مبانی ارزش‌ها، ص ۱۸۸.
۱۲. نک: ناصر باهنر، آموزش مفاهیم دینی هم‌گام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۱۳، چاپ اول: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۸ شمسی.
۱۳. نک: مهدی ابوطالبی، تربیت دینی از دیدگاه امام علی علیه السلام، ص ۱۷۰، چاپ اول: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم ۱۳۸۳ شمسی.
۱۴. همان، ص ۱۷۹.
۱۵. نک: آموزش مفاهیم دینی هم‌گام با روان‌شناسی رشد، ص ۲۱۵.
۱۶. نک: احمد مهدی عبدالحلیم، «تعلیم ارزش‌ها»، ترجمه مهدی اسدی، مجموعه مقالات تربیت اسلامی، چاپ اول: کتاب اول، انتشارات عابد، ۱۳۷۹ شمسی، ص ۱۳۴.